

تمایل کانادایی ها

به عضویت در اتحادیه اروپا

عضویت در اتحادیه اروپا در انتخابات سرنوشت ساز کانادا در اواخر این ماه موضوع رأی گیری نیست اما نظرسنجی ها نشان می دهد کانادایی ها به ایده پیوستن به این بلوک علاقه نشان داده اند. در حالی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا با اعمال تعرفه های تنبیهی و پست های تهاجمی در رسانه های اجتماعی، روابط با همسایه شمالی را دچار آشفته گی کرده، کانادایی ها در حال بررسی این موضوع هستند که آیا باید به متحدان جدید و قابل اعتمادتری نزدیک شوند یا خیر. در اینجنا اتحادیه اروپا وارد معادله می شود که اخیرا در یک نظرسنجی ۴۴ درصد کانادایی ها از ایده عضویت در اتحادیه اروپا حمایت کردند، در حالی که ۳۴ درصد با این ایده مخالفت نشان دادند. پائولا پینهو، سخنگوی ارشد کمیسیون اروپا با اشاره به این که بروکسل از نتایج این نظرسنجی «سفرز» شده، تأکید کرد که طبق معاهدات تأسیس اتحادیه، فقط کشورهای اروپایی واجد شرایط عضویت هستند. گرچه پیوستن کانادا به اتحادیه اروپا حتی برای مقامات کمیسیون نیز غیرمنتظره به نظر می رسد، اما کارشناسان اتحادیه که این موضوع را برای پولیتیکو تحلیل کردند، معتقدند چنین اقدامی اگرچه بعید است، اما در واقع غیرممکن نیست! ادعای عضویت کانادا به عنوان بیست و هشتمین عضو اتحادیه اروپا بیشتر بر اساس احساسات است تا واقعیات؛ هرچنانکه کانادا و اتحادیه اروپا با قیانونس اطلس و هزاران کیلومتر فاصله جغرافیایی از هم جدا شده اند، اما منافع مشترک قابل توجهی دارند:

- ۱- روابط اقتصادی مستحکم
۲- اشتراک در ارزش‌های دموکراتیک
۳- درگیری که دولت دونالد ترامپ در آمریکا برای هر دو طرف ایجاد کرده است.
- این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به اشاره پنهو به ماده ۴۹ پیمان اتحادیه اروپا که می‌گوید «هر کشور اروپایی می‌تواند درخواست عضویت در اتحادیه را بدهد، آیا فائتر از جغرافیای صرف، معیار دیگری برای اروپایی بودن یک کشور وجود دارد؟ آیا کانادا می‌تواند واجد شرایط باشد؟ گیزل بوسه، استاد پشتیبانی از دموکراسی خارجی اتحادیه اروپا در دانشگاه ماستریخت، به پولیتیکو گفت: «اروپایی بودن بیشتر یک حالت ذهنی است.» بوسه افزود: «از نظر حقوقی و رسمی، تعریف دقیقی از یک کشور اروپایی وجود ندارد و اگر به گذشته نگاه کنیم، کشورهایی بوده‌اند که به نوعی محدود به قاره اروپا نبوده‌اند.» او به سرزمین‌های فدرالی کشورهای عضو اتحادیه در کارائیب، اقیانوس آرام و قطب شمال اشاره کرد. او کانادایی‌ها را به دلایلی از جمله باورشان به دولت رفاه، سیستم‌های سیاسی و حقوقی مبتنی بر الگوهای اروپایی و تبار قاره‌ای بسیاری از کانادایی‌ها، به نوعی اروپایی‌های «ویژه» خواند. فرانک شیمفلینگ، استاد سیاست اروپایی در دانشگاه ETH زوریخ نیز نظری مشابه داشت و درباره بحث جاری در مورد معنای اروپایی بودن فائتر از موقعیت جغرافیایی روی نقشه جهان توضیح داد. او گفت: «کانادا قطعا واجد شرایط خواهد بود، زیرا از بسیاری جهات احتمالا به آن ارزش‌ها، نهادها و سیاست‌های اروپایی نزدیک‌تر است تا بسیاری از کشورهای نامزد در صف عضویت.» اگرچه برخی از صاحب‌نظران اتحادیه اروپا استدلال‌هایی درباره امکان عضویت کانادا در اتحادیه ارائه می‌دهند، اما دیگران این چشم‌انداز را به شدت زیر سؤال برده‌اند. نخست آن‌که کانادا باید درباره ادعای «اروپایی بودن» خود کاملا جدی باشد. به گفته پرتسوسور بوسه از دانشگاه ماستریخت، پاسخ‌های نطرسوسور تاکنون ممکن است صرفا «واکنشی احساسی از سوی کانادایی‌ها» بوده باشد.
- درمقایسه کشورهای اروپای مرکزی پیش از پیوستن به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴، همواره الحاق خود را «باگشت به اروپا» سرزمینی که به لحاظ تاریخی به آن تعلق داشتند؛ معرفی می‌کردند. از سوی دیگر برخی تحلیلگران اعتقاد دارند که کانادا می‌تواند قرارداد مشارکت اقتصادی خود با اتحادیه اروپا را ارتقا دهد. به نظر می‌رسد مقامات کانادایی از پیش در این مسیر کار برداشته‌اند. مارک کارنی، نخست‌وزیر جدید کانادا ۱۷ مارس اولین سفر خارجی خود را به فرانسه انجام داد تا با امثال مونل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه درباره تقویت روابط اقتصادی، دفاعی و تجاری گفت‌وگو کند.

راهبردی و سایر بخش‌ها تاکید کردند.»

دفتر معاون رئیس‌جمهور آمریکا نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد: «حی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا و نازندرا مودی، نخست‌وزیر هند از پیشرفت قابل توجه در مذاکرات پیرامون توافق نامه تجاری دو جانبه آمریکا و هند استقبال کردند و به‌طور رسمی نهایی‌شدن شرایط مرجع برای مذاکرات را اعلام کردند و نقشه‌راه را برای گفت‌وگوهای بیشتر در مورد اولویت‌های اقتصادی مشترک دو کشور تعیین کردند.

چالش‌ها و چشم‌اندازهای یک همکاری

با این حال، مذاکرات ونس و مودی با حالش‌هایی همراه است. از یک سو، سیاست‌های حمایت‌گرایانه ترامپ، که بر کاهش کسری تجاری آمریکا متمرکز است، انعطاف‌پذیری کمی برای هند باقی می‌گذارد. از سوی دیگر، مودی نیز تحت فشار داخلی است تا از صنایع اقتصادی هند دفاع کند. به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد این کشور پس از همه‌گیری کووید-۱۹ و تنش‌های منطقه‌ای با چین، همچنان شکننده است.

برخی تحلیلگران معتقدند هند ممکن است با پذیرش برخی خواسته‌های آمریکا، مانند افزایش واردات کالاهای آمریکایی یا کاهش تعرفه‌های خود بر محصولات کشاورزی و فناوری، از تشدید تنش جلوگیری کند. با این حال، تجربه کمبیا در ژانویه ۲۰۲۵، که پس از مقاومت در برابر خواسته‌های مهاجرتی آمریکا با تهدید تعرفه‌های ۲۵ درصدی مواجه شد و در نهایت تسلیم نشد، نشان می‌دهد که دولت ترامپ در استفاده از تعرفه به عنوان اهرم فشار جدی عمل می‌کند.

سه سفرویک آزمون

سفر جی دی ونس به هند، آزمونی برای روابط دو جانبه این دو کشور در دوره ای پرتنش است. هند با درک رویکرد تهاجمی دولت ترامپ در حوزه تجارت، به دنبال راه هایی برای فرار از تحریف های جدید و حفظ جایگاه خود به عنوان یک متحد استراتژیک است. با این حال، موفقیت این مذاکرات به توانایی مودی در ارائه پیشنهادهای متقابل و انعطاف پذیری ونس در پیشبرد سیاست های دولت آمریکا بستگی دارد. در جهانی که تعریف ها به ابزاری برای اعمال قدرت تبدیل شده اند، نتیجه این سفر می تواند الگویی برای سایر شرکای تجاری آمریکا باشد که با تهدید های مشابه مواجه هستند.

A photograph of Donald Trump and Narendra Modi seated in white armchairs, facing each other. Behind them are the flags of the United States and India. A small table with a vase of red flowers sits between them. The image is part of a news article with Persian text overlays.

آیا دهلی از جنگ تجاری آمریکا جان سالم به در می برد؟

تلاش مودی برای فرار از تعرفه های ترامپ

بود. این استدلال با سیاست‌های کلی دولت ترامپ همخوانی دارد، زیرا او از سال ۲۰۱۷، هند را به عنوان روزه‌ای در برابر چین تقویت کرده است. هند همچنین ممکن است پیشنهادهایی برای افزایش همکاری‌های نظامی و خرید تسلیحات آمریکایی ارائه دهد. در سال ۲۰۲۰، ترامپ در سفر خود به هند اعلام کرد که قصد دارد «بهترین و ترسناک‌ترین سلاح‌های جهان» را به این کشور بفروشد. اکنون، ونس احتمالاً از این اهرم برای پیشبرد مذاکرات استفاده کند و در ازای کاهش تعرفه‌ها، قراردادهای تسلیحاتی جدیدی را امضا کند.

در همین زمینه روز گذشته دولت‌های هند و آمریکا در بیانیه‌های مختلف از پیشرفت چشمگیر در مذاکرات تجاری پس از گفت‌وگوها میان نخست‌وزیر هند و معاون رئیس‌جمهور و مدعی احتمالاً به دنبال توافق هستند که هم منافع اقتصادی هند را حفظ کند و هم خواسته‌های دولت هند برای کاهش کسری تجاری آمریکا را برآورده سازد.

یکی از اهداف کلیدی هند، جلوگیری از وضع تعرفه‌های جدید بر کالاهای صادراتی‌اش به آمریکا است. هند در سال ۲۰۱۸، پس از تعرفه‌های آمریکا بر فولاد و آلومینیوم، با وضع تعرفه‌های تلافی جویانه به ارزش ۲۴۰ میلیون دلار واکنش نشان داد اما این اقدام به مذاکرات بیشتر منجر شد و اعمال تعرفه‌ها تا ژوئن ۲۰۱۹ به تعویق افتاد. اکنون، هند امیدوار است با مذاکرات مستقیم، از تکرار چنین سناریویی جلوگیری کند. به‌ویژه، هند به دنبال حذف دسترسی بدون مالیات به بازار آمریکا برای برخی کالاهایش است، چیزی که در دوره اول ترامپ از دست داد.

تلاش هند برای فرار از تعرفه‌های آمریکا

کرد: «نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند و جی‌دی ونس معاون دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا ازبیشتر چشمگیر، رمذاکارات بی‌امون توافق تجاری هند و آمریکا که بر بهبود رفاه مردم هر دو کشور تمرکز دارد، استقبال کردند.» در بخش دیگری از این بیانیه آمده: «مهمترین، طرفین بر تلاش‌های بی‌وقفه جهت تقویت همکاری در حوزه‌هایی مانند انرژی، دفاع، فناوری‌های

نزارش

نگاهی به کاهش قدرت واشنگتن

نظریه پردازان آمریکایی از «افول» می گویند

چشمگیر نیست و نگران است دانش و مهارت‌های دانشجویان آمریکایی ممکن است با اقتصاد پیشرو همگام نباشد. فرای در نهایت درباره فظارت‌های ۲۰۱۵ می‌نویسد: با وجود تمام این نگرانی‌ها، نای امیدوار و معتقد است برخلاف کسانی که این قرن را قرن چین می‌دانند، ما وارد دنیای پس از آمریکا نشده‌ایم، اما مداوم قرن آمریکا شبیه قرن بیستم نخواهد بود. او می‌نویسد: «ایالات متحده با قدرت نسبی کمی کمتر، در میان دنیایی بسیار پیچیده‌تر، برای حفظ رهبری خود به انتخاب‌های استراتژیک هوشمندانه هم داخل و هم در خارج از کشور نیاز دارد.»

مثال از دست دادن پیشتازی درساجی

باشد، زیرا برخی محاسبات نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی (GDP) چین در حال حاضر از ایالات متحده فراتر رفته است. نای در این کتاب معتقد است که به شکل یک مقاله است، خاطرنشان می‌کند گرچه بازار بزرگ چین می‌تواند از نظر اندازه اقتصادی از ایالات متحده پیشی بگیرد، اما اگر قدرت اقتصادی، نظامی و «نرم» را در نظر بگیریم، به طور خودکار شاهد قرن چینی نخواهیم بود. (نای) با «قدرت نرم» اصطلاحی که در دهه ۱۹۸۰ ابداع کرد، به توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق جذابیت و ترغیب اشاره دارد. چین بزرگترین ارتش جهان را دارد اما بسیار کمتر از ایالات متحده برای دفاع هزینه می‌کند، جمعیت آن در حال پیر شدن و فاقد قدرت نرم است.

نای سایر رقبای احتمالی برای جایگاه آمریکا را بررسی می‌کند: (روپا) عدم هویت مشترک، (ژاپن) مشکلات جمعیتی، (روسیه) در حال افول، هند (بسیار فقیر) و برزیل پهلوروی پایین. او نتیجه می‌گیرد که اینها تهدید بزرگتر از ملاحظات داخلی مانند جنگ‌های فرهنگی، وخامت اوضاع اجتماعی و بن‌بست

نگرانی از همگرایی مسکو، تهران، پکن و

پیونگیانگ

نگرانی دارد و می‌نویسد که آموزش آمریکا در بالاترین سطوح قوی است، اما در سطوح پایین‌تر چندان

ممکن است برخی کارشناسان آمریکا بحث‌های

رسول قیادی
گروه‌های معطل

روز دوشنبه جی دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، سفر چهارروزه خود به هند را آغاز کرد. این سفر که با جواهری همسرش، اوشا ونس با تبار هندی انجام شد، در دهلی نو با دیدار رسمی ونس و نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند کلید خورد. هدف اصلی این سفر، تقویت روابط دوجانبه و تمرکز بر مذاکرات حساس حول تعرفه‌های تجاری دونالد ترامپ است که از زمان باگشت او به قدرت در سال ۲۰۲۵، بار دیگر به یکی از ابزارهای اصلی سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده است.

زمینه تاریخی و تنش‌های تجاری

روابط تجاری هند و آمریکا در سال‌های

زمینه تاریخی و تنش های تجاری

روابط تجاری هند و آمریکا در سال‌های اخیر پرتنش بوده است. ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود (۲۰۱۷-۲۰۲۱) هند را به دلیل وضع تعرفه‌های بالا بر کالاهای آمریکایی، «کشور تعرفه‌ها» خواند و در سال ۲۰۱۹ برنامه‌ای را که به هند اجازه می‌داد کالاهایش را بدون مالیات وارد آمریکا کند، لغو کرد. هند نیز در پاسخ، تعرفه‌های تلافی‌جویانه‌ای به‌رأس ۲۴۰ میلیون دلار بر ۲۸ محصول آمریکایی وضع کرد. این تنش‌ها در دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ نیز ادامه یافته است. ترامپ که از زمان بازگشت به کاخ سفید در سال ۲۰۲۵،

وضعیت پیچیده این روزهای اقتصاد آمریکا

دوباره بحث‌های مرتبط با سقوط و افول آمریکا را دامن زده است. بله، «دوباره»! چون بحث افول آمریکا مدت‌هاست در اندیشه‌های آمریکا مطرح است. در واقع، با عبور از لایه‌ریه‌ها و اخبار رسانه‌ای جریان اصلی و مرور تحلیل موجود اندیشه‌های تاثیرگذار آمریکا می‌توان متوجه شد ماجرای این افول از ابعاد مختلف به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اهل اندیشه سیاسی و اقتصاد در آمریکا تبدیل شده است. لازم به گفتن نیست که البته شعار انتخابانی دونالد ترامپ «دوباره آمریکا را به عظمت می‌رسانیم» اقرار تلویشی به افول این کشور و اقبال رأی‌دهندگان به ترامپ هم اثبات این واقعیت است که لااقل بخش قابل توجهی از مردم آمریکا به این افول باور دارند.

فای؛ از ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵

زخم زدن آمریکا به خودش

اول ماه جاری میلادی جوزف نای، استاد بازنشسته دانشگاه هاروارد و رئیس سابق دانشکده حکمرانی کندی دانشگاه هاروارد و واضع مفهوم قدرت نرم در روابط بین الملل، در تازه‌ترین اثر خود در پایگاه تحلیلی پراچکت سیندیکت با عنوان «نظم جهانی چگونه تغییر می‌کند؟» با اشاره به سیاست‌های ترامپ در وضع تعرفه‌ها بر سودن و دشمن پرسیده است: آیا دولت ترامپ این منبع منحصر به فرد تداوم قدرت آمریکا حدود ۳۵ درصدی در آمریکا از اقتصاد جهانی) را حفظ خواهد کرد یا این که کلاس (مسئول سیاست خارجی اروپا) درست می‌گوید که ما در نقطه عطفی هستیم؟ وی در پاسخ این پرسش گفته است: آری، سال‌های ۱۹۴۵، ۱۹۹۱ و ۲۰۰۱ نیز نقطه عطفی بودند. اما اگر مورخان آینده سال ۲۰۲۵، به این فهرست اضافه کنند، بدون شک به جای هر توسعه و تحول غیرقابل اجتنابی، این نتیجه سیاست ایالات متحده خواهد بود: زخمی که خودش به خویشتن وارد کرده است.

نای همچون هشتم ماه جاری میلادی با حضور در گفت‌وگویی پادکستی در سایت دانشکده حکمرانی کندی هاروارد با اشاره به اظهارات ترامپ در مورد گرفتن گرینلند از دانمارک (با عنوان یکی از متحدان

